

همه دوست دارند دوران عزلت و خانه نشینی به سرآید، حتی دانش آموزان فراری از درس و مدرسه، خواهان تغییرند و بدشان نمی آید دوباره شال و کلاه کنند و با همکلاسی هایشان بگویند و بخندند و پشت میز و نیمکتها بنشینند و چشم بدوزند به دهان معلم. خانواده ها هم که از خانه نشینی طولانی و کناره گیری اجتماعی فرزندانشان به ستوه آمده اند، تمایل دارند طلسم کُندی واکسن بشکند و سالهای دوری از مدرسه خاتمه یابد اما این روزها که کرونا بی امان تر از همیشه شبیخون زده، یک ور ذهن خانواده ها درگیر ویروس دلتا و ور دیگر مشغول روزهای کسالت بار در خانه ماندن است و این موضوع محل تردید است که آیا مدرسه، سنگری امن خواهد بود در برابر ویروسی مردافکن که خیال ندارد دست از سرمان بردارد؟ این سؤال را اگر از شخص وزیر آموزش و پرورش بپرسید، حتما سری به نشانه تأیید تکان خواهد داد که مدرسه امن است. رئیس دولت هم موافق است و مدارس را عامل انتقال ویروس نمیداند. حسن روحانی که عمر دولتش رو به پایان است بحث واکسیناسیون معلمان را پیش کشیده تا مهرمایی که در راه است، سومین سال دوری از مدرسه نباشد و محسن حاجی میرزایی که

واپسین روزهای کاری اش را در ردای وزیر آموزش و پرورش سپری می کند معتقد نیست بازگشایی مدارس بر افزایش و شیوع کرونا اثری داشته باشد و طوری سخن گفته که به نظر می رسد در مصاف سلامت و آموزش، طرف آموزش را گرفته است.

«مطالعات گسترده جهانی و تجربه غالب کشورها حاکی از آن است که مخاطره‌ای متوجه دانش آموزان نیست اما دور بودن از مدرسه مخاطرات قطعی دارد. همه تلاش‌ها در جهت آموزش باکیفیت است.» این را دیروز در حاشیه مراسم افتتاحیه سی و پنجمین اجلاس مدیران و رؤسای آموزش و پرورش سراسر کشور عنوان کرده و البته الزام به حضور دانش‌آموزان و جمع شدن آن‌ها زیر سقف مدارس از تصمیماتی است که ستاد کرونا باید آن را اخذ کند و حاجی میرزایی هم برآن تأکید کرده اما مشخص است که عزم آقای وزیر در هر صورت بر بازگشایی استوار است و صریح گفته: «اگر تا دیروز دیدگاه‌های متفاوتی در این‌باره وجود داشت، اما امروز این اجماع حاصل شده که بازگشایی، یک ضرورت است و با هر کیفیتی بشود باید برای آن برنامه ریزی کرد و اما برنامه ریزی برای آن متفاوت است»، در آخر هم سیاست قطعی بازگشایی را زیر سایه دلتا عیان کرده است.

واکسیناسیون دو روزه معلمان؛ سنگ بزرگ نشانه نزدن

آن‌طور که از اظهارات آقای وزیر پیداست، آموزش و سلامت می‌توانند یکجا در کلاس درس جمع شوند. این را از آمارهایی می‌توان فهمید که از زبان او نقل شده؛ «تقریباً ۳۰ درصد از مدارس جمعیت کمتر از ۵۰ دانش‌آموز دارند و به شرط رعایت فاصله اجتماعی بدون مشکل می‌توانند سال تحصیلی را حضوری آغاز کنند. برخی مدارس در شهرها تراکم بالاتری دارد و اگر ملزم به رعایت فاصله اجتماعی باشیم، دانش‌آموزان را در طول هفته تقسیم می‌کنیم. سال گذشته هم تجربه کسب کرده‌ایم و دستورالعمل مقامات بهداشتی مورد توجه قرار خواهد گرفت.» در حال حاضر اجرای تمام و کمال وعده واکسیناسیون از دستورالعمل‌ها و تجارب پیشین مهمتر است و گویا از عید غدیر یک میلیون و ۲۰۰ هزار معلم با واکسن ایرانی کوو ایران برکت واکسینه خواهند شد تا «بچه‌ها از مدارس دور نباشند و آسیب‌های متعدد روانی، اجتماعی آنان را تهدید نکند» و حاجی میرزایی با بیان این موضوع، در سخنانش تأکید می‌کند که بخش مهمی از بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان در تعامل با همسالان شکل می‌گیرد و این موضوع در ارتباط حضوری میسر است.

این‌ها همه درست و بر درست بودنش، هم خانواده‌ها تأکید دارند و هم معلمان اما دوری از محیط آموزشی برای آموزگاران نیز عواقب کمی نداشته است. «محمدرضا نیک نژاد» از معلمان و کنشگران شناخته شده عرصه آموزش خسته است از تدریس مجازی و بنا به دلایل صنفی، شخصی و آموزشی می‌خواهد در کلاس درس حاضر شود. او که بسیار کلافه است از ساعت‌ها زل زدن به قاب مجازی، به ما می‌گوید: نشستن‌های طولانی و نداشتن تحرک، زانوهایش را دچار مشکل کرده و این زیست کارمندی، چشم درد و گردن درد را هم به عارضه‌های حرفه معلمی افزوده و در

این روزهای تابستان، دارد کلی هزینه می‌کند تا همین امراض را مداوا کند. اگر وعده واکسیناسیون معلمان به طور کامل محقق شود، نیک نژاد از آموزش حضوری استقبال می‌کند اما خیلی مطمئن نیست که این وعده تا فرارسیدن سال تحصیلی تحقق یابد: «با توجه به امکانات و تجربه 5-6 ماه گذشته، دیده‌ایم که بسیاری از وعده‌ها در حد حرف بوده و اگر نگاهی به کشورهای دور و برمان بیندازیم می‌بینیم که آن‌ها بسیار موفق‌تر از ما در کنترل کرونا و فرآیند واکسیناسیون عمل کرده‌اند به همین علت ما چندان امیدوار نیستیم. حتی رئیس‌جمهور در سخنانی تأمل برانگیز گفته این واکسیناسیون باید دو روزه انجام شود اما سنگ بزرگ نشانه نزدن است و اخیراً گفته شده مرحله اول واکسیناسیون معلمان ظرف ۱۰ تا ۱۴ روز انجام می‌شود. بنابراین اظهارات متفاوت و متناقض ما را بدین کرده است. هنوز سال قبل یادمان نرفته که کلی سناریو و طرح و برنامه چیدند و سه روز مانده به آغاز سال تحصیلی گفتند آموزش حضوری است اما فشارهای اجتماعی افزایش یافت و مجبور شدند جریان آموزش را به شکل غیرحضوری ادامه دهند.»

تکلیف دانش‌آموزان چه می‌شود؟

این معلم به قول و قرارها خوشبین نیست و فرض را بر این می‌گذارد که تمامی جامعه فرهنگیان واکسینه شوند اما تکلیف سویه دلتا و دانش‌آموزان چه می‌شود؟ این سویه، بچه‌ها را بیشتر مبتلا و دچار آسیب می‌کند و حتی احتمال دارد کارشان به بیمارستان و بستری هم بکشد. چطور می‌توان 15 میلیون دانش‌آموز را به کلاس درس آورد و سپس مثل بمب ساعتی آن‌ها را راهی کوچه و خیابان و خانه کرد؟ بنابراین نیک نژاد تأکید می‌کند که واکسینه شدن معلمان به خودی خود اهمیتی ندارد و باید به دانش‌آموزان هم فکر کرد و با توجه به آنکه طبق آمارها کمتر از ۱۰ درصد جمعیت کشور واکسینه شده‌اند، این‌ها می‌توانند هم خود مبتلا شوند و هم ویروس را جابه‌جا کنند.

دبیر کمیته علمی کشوری کووید 19 هم تأکید کرده «ویروس دلتا در سنین کمتر دیده می‌شود و به نظر می‌رسد درگیری بچه‌ها در این نوع بیشتر باشد.» «سرعت انتقال ویروس و شدت آن و تعداد افرادی که درگیر می‌کند، در گونه دلتا بیشتر است» و عبدالله کریمی، رئیس بخش عفونی بیمارستان کودکان مفید با بیان این جمله هشدار می‌دهد اگر کودکان «در زنجیره انتقال قرار گیرند، به راحتی می‌توانند بیماری را به دیگران نیز منتقل کنند.»

آمار که کریمی ارائه می‌دهد شاید هولناک‌تر از آمارهایی که این روزها می‌شنویم نباشد اما رقت‌انگیز است که در یکسال و نیم گذشته از زمان آغاز پاندمی کرونا ۷۷ کودک در بیمارستان مفید بر اثر این ابتلا قربانی شده‌اند و البته ۹۲ درصد آن‌ها یک بیماری زمینه‌ای داشته‌اند، اما هشت درصدشان بیماری زمینه‌ای هم نداشته‌اند. ادامه اظهارات کریمی رقت‌انگیزتر است و می‌تواند هرچه ترس و دلشوره است را به جان خانواده‌ها بریزد. او می‌گوید، «اگر وضعیت را نسبت به

مشابه سال ۱۳۹۹ در نظر بگیرید، اکنون در بیمارستان‌های اطفال ما تعداد موارد بستری بیشتر شده است. بنابراین بخش‌های اطفالمان پر است و کمبود بخش هم داریم، در حالی که سال قبل چنین موضوعی را درباره بیمارستان‌های کودکان مطرح نمی‌کردیم.»

متخصصان بیماری‌های عفونی که ما با آن‌ها صحبت کرده ایم، بازگشایی مدارس را نه فقط مشروط به تکمیل واکسیناسیون آموزگاران بلکه در گروی سرعت تزریق واکسن برای درصد چشمگیری از جامعه می‌دانند و دلواپسی خود را پنهان نمی‌کنند از بازگشایی مدارس که می‌تواند منجر به انتقال ویروس از طریق کودکان به افراد مسن شده و باعث انتشار ویروس در جامعه شود و در آن صورت است که پیک‌های بیشتر و طولانی‌تری را شاهد خواهیم بود. «از خیز سوم و قبل عید موارد 5 تا 17 سال ما در حوزه بستری‌ها افزایش پیدا کرده و وقتی میزان بستری کودکان افزایش می‌یابد، یعنی سرپایی‌های این گروه نیز زیاد است.» این‌ها را بابک عشرتی، معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایران در گفت‌وگویی که با ما دارد، می‌گوید. او برای بازگشایی مدارس تنها عامل بیماری‌را در نظر نمی‌گیرد، از دید او که در حوزه سلامت فعالیت می‌کند، هرچقدر تعطیلی‌ها بیشتر باشد و ارتباط آدم‌ها با یکدیگر به حداقل ممکن برسد و ازدحامی نباشد، بسیار مطلوب است اما در عالم واقع این امکان وجود ندارد و عشرتی فراتر نگاه می‌کند. به پرورش و اجتماعی شدن بچه‌ها به پیامد دوری از کلاس درس و بازماندگی از تحصیل، به افسردگی دانش‌آموزان که تمام این‌ها در کنار هم نشان از آن دارد که تصمیم‌گیری در این ارتباط آسان نیست و اگر بناست مدارس بازگشایی شوند باید به گونه‌ای باشد که خطر را تا حد ممکن کاهش دهند و با افزایش سرعت واکسیناسیون می‌توان مخاطرات ویروسی را به حداقل رساند اما اگر این مسئله عملی نشود، بازگشایی بسیار خطرناک خواهد بود و باید مطابق گفته عشرتی، دست و دل مسئولان از این تصمیم بلرزد. البته او خوش‌خبر است و در جایگاه معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایران از سرعت گرفتن واکسیناسیون و افزایش چندبرابری نوبت‌دهی‌ها می‌گوید که اگر ادامه دار باشد می‌توان به پرونده بازگشایی مدارس با میزان خطرپذیری کمتر امیدوار بود.

دوگانه سلامت و مدرسه

نیک نژاد مثل عشرتی دستی در عرصه نظام سلامت ندارد، ولی مطالعاتی در حوزه نهاد مدرسه و تجارب جهانی داشته است و این تجارب به بعد از شیوع کرونا مربوط است که بر همین اساس توضیح می‌دهد: «پاییز سال گذشته که بحث واکسیناسیون کودکان در انگلیس مطرح نبود، مدارس را در مقطع دبستان باز کردند ولی حبابی امنیتی دور دانش‌آموز و معلم کشیدند، به این صورت که تعداد افراد حاضر در کلاس‌های آنان کاملاً تعریف شده بود و به خاطر این‌که آسیب‌های آموزشی بیشتری متوجه کودکان دبستان نباشد، آن‌ها را در کلاس‌های بزرگ با تعداد کم قرار دادند و این دانش‌آموزان و معلمان هر روز صبح تست کرونا می‌دادند

و بعد وارد مدرسه می شدند. مدیران هم با کوچکترین عارضه‌ای که مشاهده می‌کردند، کودک و معلم را به درمانگاه‌های سیار داخل مدرسه می بردند و یا در فنلاند، با تعطیلی دانش آموزان مقاطع بالاتر تحصیلی که می توانستند با فضای مجازی ارتباط بهتری برقرار کنند، بچه‌های دبستان را در مدارس دوره‌های بالاتر و با تعداد کم در کلاس‌ها تقسیم بندی کرده بودند. اگرچه استاندارد کلاس‌های درس فنلاند در حالت عادی هم 15 نفر است که در روزهای کرونایی به 5 نفر کاهش داده اند و هر کودکی که علائمی داشته باشد، به سرعت قرنطینه می شود.» مثال آوردن از کشورهای دیگر از سوی نیکنژاد، برای آن است که نشان دهد دست کشور ما برای حضور دانش‌آموزان در کلاس درس و رعایت پروتکل‌ها، خالی است و کرونا در کمین نشسته و پیش از آنکه سویه دلتایی باشد، شدت ابتلا در بچه‌ها کمتر بود و اغلبشان بی‌علامت بوده‌اند ولی از همدیگر کرونا می‌گرفتند و بیماری را به خانواده‌ها و بزرگ‌ترها منتقل می کردند و حالا که سرعت سرایت ویروس بالاتر است و کودکان را بیشتر مبتلا می کند، نظام آموزشی و ستاد کرونا باید بیشتر به تبعات تصمیماتشان بیندیشند.

البته آموزش مجازی برای مایی که پیش از این تجربه به کارگیری آن را نداشته‌ایم درکنار افت تحصیلی دانش آموزان، می تواند مهم‌ترین دلیلی باشد که آموزش و پرورش را به فکر بازگشایی مدارس انداخته است. نیکنژاد تأکید می کند «حفظ تمرکز دانش‌آموز دبستانی در کلاس درس هم دشوار است چه رسد به آموزش مجازی که اصلاً نمی‌توان حواس کودک را جمع نگه‌داشت و این آسیب زننده است»، سخنی که معاون ابتدایی وزیر آموزش و پرورش هم سال گذشته بر زبان آورده و گفته «شرایط سنی کلاس اولی‌ها و دومی‌ها به گونه‌ای است که حتی پیشرفته‌ترین فناوری‌ها هم نمی‌تواند جایگزین آموزش حضوری شود» اما وزن سلامت جامعه باید به نسبت درس و مدرسه سنگین تر باشد. نیک نژاد یادآوری می کند که طبق بخشنامه‌ها و سندهای بالادستی آموزش و پرورش، اولویت بر سلامت جسمی و روحی است و اگر نتوانیم پروتکل‌ها را رعایت کنیم اما بچه‌ها را به کلاس درس بیاوریم، مصداق ظلم، بی اخلاقی و بی قانونی است.

اگر وعده واکسیناسیون محقق نشود به مدرسه باز نمی‌گردیم

وقتی دوگانه سلامت و مدرسه در ذهن مسئولان اجرایی کشور پابرجا باشد، موضوع حیاتی سلامت کنار می‌رود و بازگشایی مدرسه اهمیتی چندبرابری پیدا می‌کند. درحالی که «محمد داوری» کارشناس ارشد آموزش و پرورش و سخنگوی سازمان معلمان، همانند نیکنژاد و بسیاری از کنشگران آموزش برای سلامت وزن بیشتری قائل است و می گوید باید این را در نظر داشت که بالاخره 5 درصد افراد زیر 18 سال به کرونا مبتلا می شوند. داوری که این سخنان را با ما مطرح می‌کند، تصویر بهتری از جامعه معلمان نیز ارائه می‌دهد که اغلب آنان، 5 سال پایانی فعالیت خود را می‌گذرانند و در آستانه بازنشستگی اند. ضمن آنکه بیماری‌های زمینه‌ای هم دارند و جزء گروه‌های در معرض خطرند. موضوع

واکسیناسیون فرهنگیان نه امروز که از سال قبل پیش کشیده شده و داوری می گوید، «باید پس از کادر درمان، کادر آموزش در اولویت قرار می گرفت که این چنین نشد و اخیراً هم رئیس دولت وعده داده دو روزه می توان واکسن معلمان را تزریق کرد اما حرف ما این است که برای تحقق این وعده دو روزه نزدیک به دو ماه فرصت است.» با توجه به اظهارات این کارشناس ارشد آموزش و پرورش اگر وعده واکسیناسیون به طور کامل محقق نشود، فرهنگیان از بازگشایی حضوری مدارس استقبال نخواهند کرد و نمی توان با دستور و صرفاً تدوین یکسری پروتکل ها، معلم را به مدرسه آورد و تأکید به اجبار در برابر مقاومت آنها، شکاف میان صف و ستاد و معلمان مدرسه و مدیران وزارتخانه را بیشتر می کند. این شکاف به اندازه کافی در تمام سالهای گذشته، آموزش و پرورش را آزرده کرده و این روزها که پای سلامت در میان است، این فاصله نباید عمیق تر شود. سال قبل خانواده ها مخالف آموزش حضوری بودند اما امسال مخالفتی ندارند چون از نزدیک افت تحصیلی فرزندان را دیده اند و اگرچه فرهنگیان نیز به گفته «داوری» خواهان حضور در مدرسه اند اما شرط دارد، به شرط آنکه وعده واکسیناسیون محقق شود و اکنون در آشفته ترین برهه از حضور ویروس کرونا در کشور، در نقطه ای که هر روز رکورد ابتلا و مرگ روز قبل را می شکنیم و با شتاب به سمت آمارهای ترسناک خیز برمی داریم و در نقطه ای که فرآیند واکسیناسیون عمومی به کندی پیش می رود، بعید است بتوان در آینده ای نزدیک بیماری را کنترل و تمام معلمان را واکسینه کرد، مگر آنکه اتفاق خاصی بیفتد و تنها در آن صورت است که معلمان به آموزش حضوری تن می دهند.

تلفیقی از آموزش حضوری و مجازی

معلوم است که آموزش مجازی فشار کاری و روانی فرهنگیان را بیشتر کرده و اگر مهرماه با تکمیل واکسیناسیون مدارس باز شوند، معلمان خوشحال ترند، هم برای خود و هم برای دانش آموزان مقاطع اول تا سوم ابتدایی و آنان که در مناطق محروم جغرافیایی تحصیل می کنند. «داوری» نیز در این باره بیان می کند، «دانش آموزانی که در نقاط محروم اند، دسترسی به اینترنت و موبایل ندارند و محصلان مقاطع ابتدایی نمی توانند از طریق فضای مجازی، درس را فراگیرند. در یکسری از دروس اگر ارتباط بین معلم و شاگرد چهره به چهره نباشد انتقال مفاهیم و یادگیری سخت است و بسیاری از دروس کاردانش را نمی توان به صورت غیرحضوری برگزار کرد و فلسفه فنی حرفه ای و کاردانش بر مبنای آموزش کارگاهی - آزمایشگاهی است و حتی لازمه آموزش دروس در رشته ریاضی هم ارتباط مستقیم میان معلم و شاگرد و پرسش و پاسخ است اما آموزش غیرحضوری در شرایط عادی می تواند آموزش مکمل باشد و اگر حضوری و مجازی تلفیقی باشد، در وضعیت بحرانی برای شهرهای قرمز مناسب تر است که این هم مستلزم برنامه ریزی است و برخی دروس را که نیازمند آموزش حضوری است می توان در کلاس درس و با اتخاذ تدابیر بهداشتی تدریس کرد و این باید از تصمیمات

منطقه‌ای و به خواست و اختیار مدارس و اولیا باشد، نه اینکه از بالا نسخه ای واحد را برای همه مدارس بپیچند.»

این سخنگوی سازمان معلمان می‌داند که اگر برای سومین سال متوالی، آموزش غیرحضوری باشد، شکاف و افت تحصیلی تشدید خواهد شد و جبران پیامدهای آن آسان نیست و این فقط مربوط به آموزش است، آسیب‌های اجتماعی و غفلت از پرورش هم تبعات دیگری خواهد داشت.

آنچه جامعه را زنده و پویا نگه می‌دارد، جنب و جوش بچه‌ها و رفت و آمد آن‌ها میان خانه و مدرسه است اما در این 18 ماه نشاط و سرزندگی جای خودش را به خمودگی و پریشانی داده، دانش‌آموزان از اجتماع فاصله گرفته‌اند و دیگر صدای زنگ مدارس به گوش نمی‌رسد و خبری از تحرک نیست. تا پیش از کرونا، 15 میلیون دانش‌آموز به همراه والدین‌شان که 30 میلیون نفرند و یک میلیون معلم در 110 هزار مدرسه، جامعه را به تحرک و می‌داشتند و در روستاها و مناطق محروم، رفتن به کلاس درس، تنها کورسویی بود که می‌توانست در آن سکوت محرومیت و دورافتادگی، آن‌ها را به فردای روشن امیدوار کند و این روزها پیچیدگی کرونا و ضعف زیرساخت‌ها و قدرت پیش‌بینی‌های علمی ما، سرنوشت مدارس و آموزش را این‌گونه رقم زده است.

دلتنگ مدرسه ام اما به سلامتت فکر می‌کنم

این سرنوشت برای برخی از معلمان چندان هم بد نیست و خانم سراجیان که معلم اول ابتدایی است، می‌گوید معلم موظف است در وضعیت آنلاین و غیرآنلاین محتوای درس را به دانش‌آموز تفهیم کند بنابراین با آموزش مجازی مشکلی ندارد و تأکید می‌کند نوع رفتار، تسلط و خلاقیت آموزگار می‌تواند در پیشبرد اهداف آموزشی به شیوه آنلاین تعیین‌کننده باشد. او البته از زاویه دیگری به مصائب آموزش مجازی نگاه می‌کند: «دانش‌آموزان از اجتماع و بازی با همسالان جدا افتاده‌اند و زنگ تفریح و کلاسی نیست تا شیطنت کنند و تخلیه شوند. بعضی از جملاتی که با همکلاسی‌هایشان رد و بدل می‌کردند در جامعه پذیری آنان مؤثر بود که در حال حاضر این امکان فراهم نیست.» با این حال، خانم سراجیان می‌گوید چاره‌ای نیست و باید با این شرایط کنار آمد چون نمی‌توان با جان دانش‌آموزان بازی کرد و آن‌ها را به دل خطر انداخت. نمی‌توان به قیمت با سواد شدن، دور سلامت آن‌ها خط کشید و اصلاً اجتماعی شدن و سواد بچه‌ها آن‌قدرها ارزش ندارد.

این معلم، ضعف دانش‌آموزان اطرافش را در امر یادگیری دیده و خوب می‌داند که آموزش مجازی چه دردسرهایی دارد، اما با همه این اوصاف، باور دارد که دردسرهای باید به جان خرید و به سلامت فکر کرد. ترجیح این معلم بر آموزش آنلاین است و حتی عنوان می‌کند، چنان خوب عمل کرده که در تدریس جلو هم بوده و از یادگیری بچه‌ها و همراهی خانواده‌ها رضایت دارد. خانم سراجیان از والدین بسیاری پرسوجو کرده تا ببیند چند درصد آن‌ها موافق با آموزش آنلاین‌اند و طبق جامعه آماری خودش تأکید می‌کند، «اغلب خانواده‌ها تمایلی به آموزش حضوری ندارند و از این که ممکن است جان فرزندانشان به خطر

□□□□□□ *1400* □□□□ *6* □□□□ □□□□□□ :□□□□